

مطالعات اسلامی زبان و خانواده
دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال نهم - شماره هفدهم
پاییز و زمستان ۱۴۰۱

پیوست نگاری فرهنگی، راهکار عملی در مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی (با تاکید بر مصوبات حوزه زن و خانواده)

عصمت سوادی^۱ نفسیه فیاض بخش^۲

حکیمہ

مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، یکی از غنی‌ترین ذخایر قانونی کشور است که باید به عنوان پیوست فرهنگی، ضمیمه تمامی طرح‌ها و برنامه‌هایی کلان و خرد کشور قرار گیرد، ولی تاکنون به علت عدم آگاهی مردم، مدیران و ضعف در اطلاع رسانی نسبت به آن، مهجور مانده است. در این مقاله، به روش توصیفی- تحلیلی، ضمن بیان اهمیت پیوست‌نگاری و ضرورت فرهنگ‌سازی در خصوص آن، به ویژه در حوزه زنان و خانواده، راهکارهایی معرفی گردیده است که باید مدد نظر مسئولان اجرایی قرار گیرد. پیشنهاد می‌گردد که برخی استناد و مصوبات شورا، به عنوان واحد‌ها یا رشته‌های درسی قرار گرفته و این مصوبات، به عنوان نظام موضوعات رشته‌های مختلف ارائه شود. بدیهی است در صورت افزایش آگاهی مردم در این زمینه، موضوع مطالبه‌گری نیز از جانب آنان ایجاد می‌شود و به دنبال آن، در خصوص اجرای آنها، برای مسئولان و مدیران کشور، ایجاد انگیزه خواهد شد.

وازگان کلیدی: پیوست‌نگاری فرهنگی، راهکار عملی، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، خانواده، زنان.

۱. دکتری فقه و حقوق اسلامی، طلبه درس خارج فقه و اصول و استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، تهران، ایران (نویسنده‌مسئل): e_savadi@yahoo.com

۲. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشکده علوم انسانی دانشگاه ازاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران؛
nafisehfayazbakhsh@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۲۴

مقدمه

بحث پیوستنگاری فرهنگی، از جمله بحث‌ها و مطالباتی است که طی سال‌های قبل توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است. جایگاه اصلی بحث این است که ما برای سامان‌دهی فرهنگی به کشور، بایستی بتوانیم از تمامی ابزارها، قالب‌ها و زمینه‌هایی که می‌توانند نتیجه و تأثیرگذاری فرهنگی داشته باشند، استفاده کنیم. در واقع دو نگاه به مقوله فرهنگی وجود دارد: یک نگاه، حداقلی است که ما بحث فرهنگ را فقط در ابزارهای شناخته‌شده فرهنگی خلاصه کنیم. مثلاً فکر کنیم که فقط فیلم، موسیقی، مسجد، منبر و... کار فرهنگی انجام می‌دهد. نگاه دیگر، نگاه واقع‌بینانه و حداکثری است که در آن، همه مقولاتی که در زندگی مردم جامعه تأثیرگذار است، دارای نقش و بار فرهنگی بدانیم. یعنی کلیه فعالیت‌های اقتصادی، وضع و تدوین قوانین در جامعه، مصوبات و تصمیماتی که در مراکز، موسسات و شوراهای مختلف به شکل کلان در زمینه‌های سیاسی- اجتماعی و همه عرصه‌ها گرفته می‌شود، همه دارای اثر و پیامد فرهنگی است. بنابراین اگر ما این مطلب را بپذیریم، برای اصلاح، ارتقاء و جهت‌دهی فرهنگ باید از همه ابزارها و مقوله‌ها استفاده کنیم.

پیوست فرهنگی، طرح عملیاتی کردن ایده‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی در فضای عمل اجتماعی است و در بیشتر موارد نیازمند منبع مالی نیست، فقط با یکسری اصلاحاتی که در روش‌ها انجام می‌گیرد و با ایجاد یک تحول فکری و رفتاری در نیروهای انسانی، محقق می‌گردد، اما برکات بسیار زیادی برای جامعه دارد(بنیانیان، ۱۳۹۲، ص. ۷۸). به عبارت دیگر، پیوست فرهنگی، در اصل همان فرهنگ حرفه‌ای به صورت مدون است. در اجرای مدیریت فرهنگی، بهره‌وری از فرست‌ها و رفع موانع و محدودیت‌ها در نیل به اهداف، ضروری و لازم است و مدیران جامعه اسلامی باید تمامی رفتارها، جهت‌گیری‌ها و رابطه خودشان را با مردم با آموزه‌ها و معیارهای دینی تطبیق دهند تا به اهداف عالیه انسانی و دینی نائل آیند. (فرآیند تحقق اهداف اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۵۵)

با توضیحاتی که برای پیوست فرهنگی داده شد ضرورت پیوستنگاری فرهنگی در حوزه زن و خانواده توسط مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، بیشتر مشخص می‌شود. بر این

اساس، در ذیل مسئله مهندسی فرهنگ، ما به پیوستنگاری فرهنگی به عنوان یکی از مقدمات کلان مهندسی فرهنگی نیاز داریم؛ به این معنا که در طرح‌های بزرگ اقتصادی و عمرانی و در پروژه‌های کلان ملی، که در عرصه‌های مختلف، طراحی و اجرا می‌شوند، به پیوستنگاری فرهنگی نیاز داریم.

هر طرح، سیاست و قانون مهمی که در بخش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اجرا می‌شود، می‌تواند عامل مؤثری در تغییرات فرهنگی جامعه و محیط خود باشد. همچنین با تعریفی که از پیوست فرهنگی مد نظر است، لازم است این تغییرات، شناسایی شده و در راستای دستیابی به فرهنگ مطلوب، اعمال مدیریت شود.

این مطلب در ارتباط با زن و خانواده، که مریٰ تربیتی هر جامعه‌ای می‌باشند، ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. بر این اساس، سؤالات این مقاله عبارتند از:

- ضرورت پیوستنگاری فرهنگی و آثار مثبت ناشی از اجرای آن چیست؟
- از آنجاکه تغییر رویه در تصمیم‌گیری‌های مدیران و ایجاد انسجام فرهنگی، نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت در کشور است، چه راهکارهایی در این زمینه می‌توان ارائه داد؟
- راهکارهای اجرایی پیوستنگاری فرهنگی در بخش‌های خانواده، زنان و آموزش کدامند؟

۱. مفهوم‌شناسی

برای ورود به بحث، ابتدالازم است تعاریف برخی مفاهیم، مورد بررسی قرار گیرد:

۱.۱. فرهنگ

فرهنگ در زبان فارسی به معنای ادب، تربیت، علم و دانش و مجموعه آداب و رسوم آمده است. (معین، ۱۳۷۶، ص ۸۳۵۲)

فرهنگ، در لغت عرب با کلمه ثقافه بیان می‌شود که به معنای پیروزی، تیزهوشی و مهارت بوده، سپس به معنای استعداد، فرآگیری علوم، صنایع و ادبیات به کار رفته است (وجدی، ۱۳۷۳، ص ۵۱، ذیل ماده ثقف). اصطلاح فرهنگ (culture) به معنی کشت و کار یا پرورش

در علوم انسانی و اجتماعی به خصوص جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی استعمال فراوانی دارد، با این حال فرهنگ مفهوم واحد و مشخصی ندارد، دانشمندان زیادی به تعریف فرهنگ پرداخته‌اند، به طوری که تاکنون بیش از ۲۰۰ تعریف از آن ارائه شده است. (باباخانی، ۱۳۹۰، ص ۱۶) و برخی، این تعاریف را به چهارصد رسانیده‌اند (فاضلی، ۱۳۹۰، ص ۴۱) این تعاریف با توجه به تفاوت نگرش‌ها به انسان، جامعه و نظام هستی، از بعد الهی یا مادی بودن آن، تنوع بسیاری یافته‌اند. از نیمه دوم قرن هجدهم، فرهنگ در مفهوم جدید آن استعمال می‌شود و ادوارد بارنت تیلور^۱ (۱۸۷۱) در تعریف فرهنگ برعناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ، تکیه کرده و فرهنگ را کلیت در هم تاخته‌ای می‌داند که دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادتی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد، شامل می‌شود. (لطیف پور، ۱۳۸۰، ۱۲) فرهنگ در تعامل‌های سازش‌پذیر، پدیدار شده و در طول دوره‌های زمانی، به نسل‌های مختلف منتقل می‌شود. (درآمدی بر برنامه‌ریزی راهبردی توسعه فرهنگی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۶، ص ۴۷).

فرهنگ، با وجود اجباری که بر انسان تحمیل می‌کند و تمام حیات ما را دربرمی‌گیرد، از خاصیت اختیاری بودن برخوردار است؛ یعنی به ندرت، خود را آشکارا بر ما تحمیل می‌کند (علیزاده ابیانه، ۱۳۸۵، ص ۱۸۰).

همچنین فرهنگ، مجموعه و کلیت به هم بافته و پیچیده‌ای از ایده‌ها، باورها، آرمان‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، نهادها و سایر آموخته‌ها و عادتی است که حاصل و دستاوردهای مختلف جهان، منطقه یا یک امت و یا دولت و کشور می‌باشد و مبانی و اصول چگونگی و چرایی این طرز تفکر، نحوه زندگی، نحوه چگونگی، نوع اعمال، رفتار فردی، جمعی و اجتماعی آنان را توجیه، تعقیل، تبیین یا تعبیین می‌کند و روند حال و آتی آن را معلوم و مشخص می‌سازد. (علی‌احمدی، ۱۳۸۳، ص ۷۴)

فرهنگ در مصوبات شورای عالی انقلاب، چنین تعریف شده است: «فرهنگ، نظام وارهای از باورها و مفروضات اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا و نیز نمادها و

1. Edward Barnett Taylor

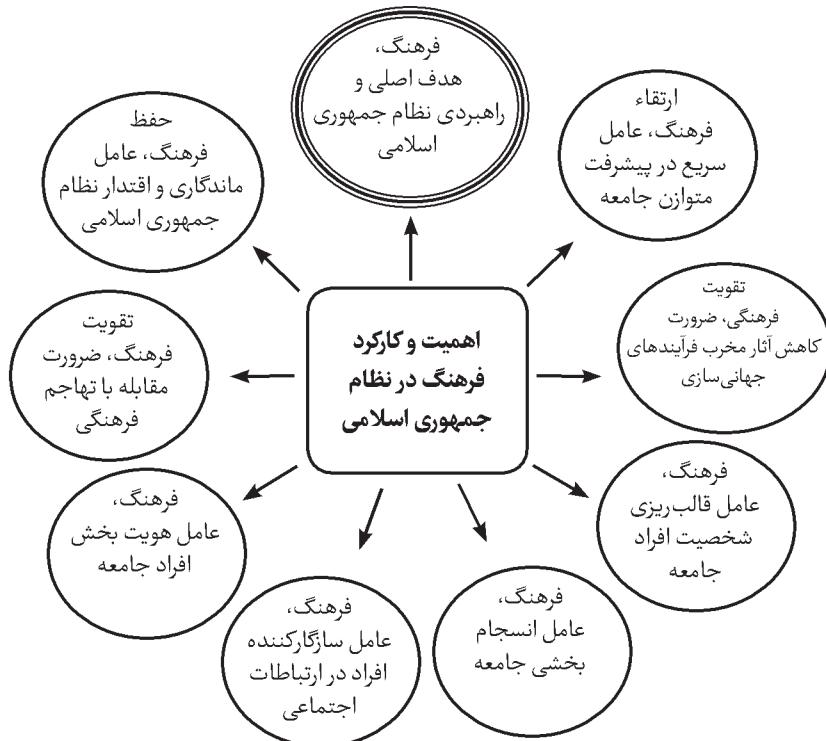
مصنوعاتی است که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد». (نظامنامه تدوین مهندسی فرهنگی، ۱۳۸۸، ص ۴۸)

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت فرهنگ، مجموعه بهم‌بافته و پیچیده‌ای از ایده‌ها، باورها، آرمان‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، نهادها و سایر آموخته‌ها و عاداتی است که حاصل و دستاوردهای مختلف است و مبانی و اصول چگونگی و چرایی این طرز تفکر، نحوه زندگی و نوع اعمال و رفتارهای فردی، جمعی و اجتماعی آنان را توجیه، تبیین یا تعیین می‌کند و روند حال و آتی آن را معلوم و مشخص می‌سازد. (علی‌احمدی، ۱۳۸۳، ص ۷۴)

در چند دهه اخیر، به‌واسطه تغییر و تحولات اساسی و فraigیر در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و فناوری در مقیاس منطقه‌ای و جهانی، نقش ممتاز و تعیین‌کننده فرهنگ در عرصه‌های ملی، بین‌المللی و جهانی، نمایان‌تر شده است. انقلاب اسلامی ایران، به عنوان نقطه عطف تحولات معنوی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قرن بیستم، از ظرفیت‌ها و توانایی‌های بالفعل و بالقوه عظیمی در این حوزه برخوردار است و پیشرفت و تعالی همه‌جانبه کشور، مستلزم بهره‌گیری مؤثر و هوشمندانه از آن در سطح ملی و مناسبات و تعاملات منطقه‌ای و جهانی است.

۲۳۵

فرهنگ در عین عمومیت، خاص است. یعنی با وجود اشتراک همه انسان‌ها در بسیاری از رفتارها، مانند خوارک، پوشانک، ازدواج، تهیه مسکن، وضع قوانین و مقررات، فلسفه‌ای برای زندگی و تشابه در کلیات و خطوط زندگی، اما هر قوم و گروهی، شیوه خاصی را در قوانین، معتقدات و رسوم خویش برمی‌گزیند. (گیدنژ، ۱۳۷۳، ص ۴۴)



شکل(۱): در نظام مقدس جمهوری اسلامی، فرهنگ مشتمل بر نظام اعتقادات، ارزش‌ها، اخلاقیات و رفتارها بوده و منبع از وحی و جهت‌دهنده و محتوا‌بخش نظام‌ها و بخش‌های جامعه است و هویت جامعه را می‌سازد.

۱.۲. مفهوم برنامه‌ریزی فرهنگی

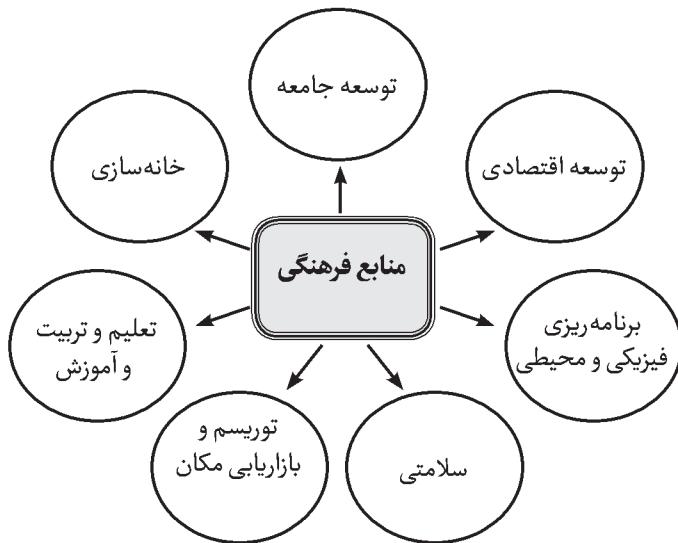
اگر برنامه‌ریزی را تصور و طراحی وضعیت مطلوب و یافتن و پیش‌بینی راه حل‌ها و وسائل نیل به اهداف آن در نظر بگیریم، در حقیقت در برنامه‌ریزی، انسان می‌خواهد تصرف ذهنی و فنی نموده، تدبیری بیندیشید تا از منابع موجود یا ممکن‌الوجود برای دستیابی به اهداف مطلوب خویش و هدف‌هایی که خودش از پیش تعریف کرده، استفاده نماید. (رضاییان، ۱۳۷۹، ص ۱۷۹)

پس می‌توان گفت: برنامه‌ریزی شامل تعیین هدف و وضع خط‌مشی، تبدیل هدف به صورت عملیات و سازوکارهای اجرایی و نیز پیش‌بینی چگونگی و کیفیت اجرای آنها می‌باشد. به عبارت دیگر برنامه‌ریزی، فرآیندی است که طی آن در خصوص چگونگی رسیدن به هدف معینی در مدت زمانی مشخص و توسط نیروی انسانی مورد نظر، پیش‌بینی و دورنمگری لازم صورت پذیرفته است. «ساماندهی و بالاتر از آن، تکامل فرهنگی، بدون برنامه‌ریزی فرهنگی، خیالی بیش نیست. برنامه‌ریزی فرهنگی یعنی تنظیم روندی از پیش طراحی شده در رسیدن به اهداف مشخص و زمان‌بندی شده فرهنگی است. در این ارتباط، می‌توان تمهیداتی داشت که کتابخانه، سینما، صداوسیما و مطبوعات، رواج و گسترش یابد؛ اما اینکه بتوان بر اساس مؤلفه‌هایی سنجید که فرهنگ جامعه در چه مرحله‌ای است و باید به چه مرحله‌ای برسد، خیر. لذا اگر در برنامه‌ریزی‌های توسعه، در کنار توسعه اقتصادی، از توسعه فرهنگی و اجتماعی سخن به میان می‌آورند، چیزی بیش از این مورد نظر آنها نیست». (پیروزمند، ۱۳۹۶). اما اگر فرهنگ را در معنای محدود به کار ببریم، تعریف برنامه‌ریزی فرهنگی، متفاوت و محدود خواهد بود؛ یعنی برنامه‌ریزی فرهنگی عبارت است از: «تلاش آگاهانه و سنجیده برای تغییر فعالیت‌ها و محصولات فکری و هنری در راستای دستیابی به اهداف مطلوب مد نظر برنامه‌ریز یا برنامه‌ریزان». به عبارت دیگر و به بیان «ایوانز»^۱، برنامه‌ریزی عبارت است از: «تشخیص منابع، توزیع یارانه‌ها و امکانات عمومی برای مجموعه‌ای از فعالیت‌های هنری تشویق و طراحی شده، تماشاخانه‌ها، گالری‌ها، موزه‌ها، تالارها، کنسرت، مراکز هنری و رسانه‌ای، نمایش فیلم و غیره (و حمایت از هنرمندان و کارکنان فرهنگی)».

(ایوانز، ۱۳۸۱)

۱.۳. مدل برنامه‌ریزی فرهنگی

رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی، با تمرکز بر روی منابع فرهنگی، جنبه‌های مختلفی از توسعه را دربرمی‌گیرد که در شکل (۲) نمایش داده شده است:



شکل (۲): رویکردهای برنامه‌ریزی فرهنگی (صالحی امیری، ۱۳۹۱)

اگرچه تدوین استراتژی، اولین مرحله از مدیریت استراتژیک است و برنامه‌ریزی مدرن نیز زیرینای اداره هر سازمان است، اما تقریباً هیچ سازمانی را نمی‌توان صرفاً با استراتژی اداره کرد. در واقع، استراتژی و برنامه، دو ابزار مدیریتی مکمل یکدیگر هستند. از این‌رو، در بسیاری از سازمان‌ها، می‌توان از دو مدیریت در کنار یکدیگر برای هدایت و کنترل پروژه‌ها استفاده کرد. از طرفی، در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و در اجرای آن، سال‌هاست نگاه مدیران ما به یک سبک مدیریتی و مدل استراتژیک معطوف شده و آن هم مدل یک‌طرفه‌ای که بر اساس آن، صرفاً باید همیشه برای برنامه‌های فرهنگی هزینه کرد و هیچ‌گاه نباید در کارهای فرهنگی، انتظار بازگشت سرمایه و بازدهی اقتصادی داشت. باید پذیرفت در رویکرد استراتژی اثربخش - به ویژه در حوزه فرهنگ و مسائل فرهنگی - هیچ‌گونه الگوریتمی برای دستیابی قطعی به یک استراتژی وجود ندارد و شاید علت اساسی این امر، وجود اهداف انتزاعی غیر قابل اندازه‌گیری در این حوزه‌ها باشد.

همان‌گونه که در مدل استراتژی فرهنگی گیلارדי آمده است، پس از انجام ممیزی فرهنگی

به روش‌های کمی و کیفی، گام‌های کلیدی و اساسی ساختار استراتژی در شکل شماره (۳) ارائه شده است. در این مدل، در گام نخست، بر روی پیامدها، دارایی‌ها و منابع، تمرکز صورت پذیرفته و سپس در گام بعدی، پیشنهادهندگان بايستی با روحیه جمعی و مشارکت جویانه در کنار یکدیگر قرار گرفته تا در سایه آن، امكان تشکیل کمیته تدارکاتی (گام سوم) مهیا شود. پس از تشکیل کمیته تدارکاتی، ممیزی ارزیابی مکان از طریق SWOT صورت می‌گیرد. در گام پنجم از مدل پیشنهادی گیلارדי، پروژه‌های طراحی شده به نظر عموم رسیده تا به وسیله ارزیابی آنها، مشاوره مفیدی صورت پذیرفته و موانع پیش روی اجرای شدن پروژه مورد نظر، شناسایی شود تا عملیاتی ساختن آن نیز ممکن گردد. در گام آخر، براساس برنامه استراتژیک، چشم‌انداز مناسب برای دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت زمانی تدوین و ارائه خواهد شد:

۲۳۹

پژوهش‌گرانی فرهنگی، راهکارهایی مبتنی بر مقولات مژده‌زن و خانواده (۱)

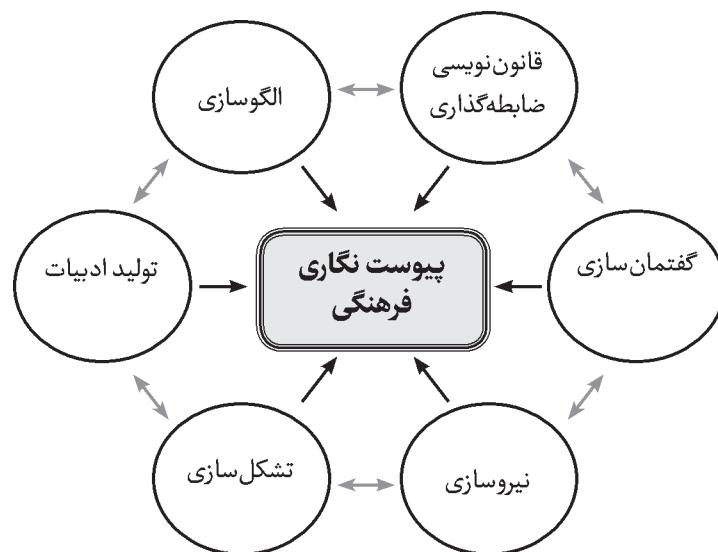


شكل(۳) . ساختار استراتژی (ghikaedi,2004)

با توجه به آنچه از مفهوم و مدل برنامه‌ریزی فرهنگی فهمیده شد، اهمیت حفظ یک ساختار مسنجم و به هم پیوسته در امر برنامه‌ریزی، امری ضروری و مهم است و در این میان مفهوم «پیوست فرهنگی» مطرح می‌گردد.

۱.۴. پیوست فرهنگی

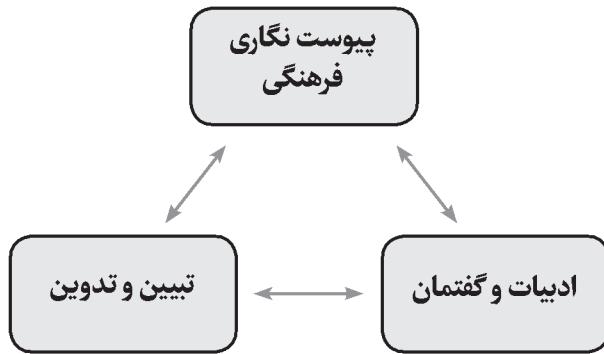
پیوست فرهنگی، سندي است مشتمل بر مطالعات کارشناسی، مبین پيش‌بيني پيامدهای فرهنگی، اعمال الزامات و استانداردهای مربوط در هر نوع طرح، تصميم و اقدام کلان فرهنگی، اجتماعی، سیاسي، اقتصادي، حقوقی و قضائي مناسب با مقتضيات و شرایط جامعه، در چارچوب نقشه مهندسي فرهنگی كشور. همچنین پيوست فرهنگی، سندي مطالعاتي حاوي شناخت كامل تمامي فعالیت‌هاي جامعه با درنظرگرفتن فرهنگ آن جامعه است و پيشنهادهای در اين سندي باشد که راهکارهای عملیاتی برای تقویت و گسترش آثار مثبت کلیه فعالیت‌ها را ارائه می‌دهد و راه حل‌های مناسبی را برای کاهش پيامدهای احتمالي دارد. (بنيانيان، ۱۳۹۲، ص ۷۸)



شكل(۴). پيوست نگاري فرهنگي، طرح عملیاتی برای الگوسازی

پیوست فرهنگی، طرح عملیاتی کردن ایده‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی در فضای عمل اجتماعی است که در بیشتر موارد، نیازمند منبع مالی نیست؛ فقط با یکسری اصلاحاتی که در روش‌ها انجام می‌گیرد و با ایجاد یک تحول فکری و رفتاری در نیروهای انسانی، محقق می‌گردد، اما برکات بسیار زیادی برای جامعه دارد. به عبارت دیگر، پیوست فرهنگی، در اصل همان فرهنگ حرفه‌ای به صورت مدون است. در اجرای مدیریت فرهنگی، بهره‌وری از فرصت‌ها و رفع موانع و محدودیت‌ها در نیل به اهداف، ضروری و لازم است و مدیران جامعه اسلامی باید تمامی رفتارها، جهت‌گیری‌ها و رابطه خودشان با مردم را با آموزه‌ها و معیارهای دینی تطبیق دهند تا به اهداف عالیه انسانی و دینی نائل آیند. (فرایند تحقق اهداف اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۵۵)

با توجه به منویات مقام معظم رهبری و مطابق با سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی و نظرات و راهنمایی‌های دبیر وقت شورای عالی انقلاب فرهنگی و با توجه به دیدگاه‌های کارشناسی و مطالعات مفصل کارشناسان، کمیسیونی در این ارتباط تشکیل شد و کمبودها و کاستی‌های گفتمان پیوست‌نگاری فرهنگی با توجه به جدیدبودن موضوع آن در کشور بررسی گردید. این کمیسیون، به طراحی الگوی اجتماعی، در دو بخش گفتمان ترویجی و تبیینی اقدام کرد. بخش اول این طرح شامل: الگوی ترویجی، به مفهوم تولید، ترویج و گسترش ادبیات و گفتمان پیوست‌نگاری فرهنگی در جامعه، وزارت‌خانه‌ها، نهادها، سازمان‌ها و دستگاه‌های کلان دولتی و غیر دولتی بود که واجد طرح‌های مهم تأثیرگذار در حوزه و بخش فرهنگ هستند و از این جهت، جزو مخاطبان پیوست‌نگاری فرهنگی می‌باشند. بخش دوم شامل: الگوی تبیینی، به مفهوم بررسی، مطالعه، تبیین و تدوین پیوست‌نگاری فرهنگی برای طرح‌های مهم در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بخش فرهنگ کشور است. (شکل ۵)



شکل (۵): الگوی فعالیت کمیسیون فرهنگی اجتماعی و پیوستنگاری فرهنگی

۲. ضرورت و آثار پیوست فرهنگی

پیوستنگاری فرهنگی، به این معناست که کلیه طرح‌های بزرگ، جز با پیوست فرهنگی، نه تنها قابلیت اجرا نداشته باشد، بلکه هیچ بودجه خاصی هم به آن تعلق نگیرد. لذا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، می‌باشد تنها برای پروژه‌هایی بودجه اختصاص دهد که پیوست فرهنگی ضمیمه آن شده باشد و در غیر این صورت، تخصیص بودجه برای آن، غیر قانونی باشد. بر این اساس، ما در پروژه‌های کلان ملی، که در عرصه‌های مختلف، طراحی و اجرا می‌شوند، نیاز به توجیه فرهنگی داریم؛ یعنی طرح و برنامه ما باید در راستای فرهنگ اصیل اسلامی باشد و با این طرح (پیوست فرهنگی)، علاوه بر پیشرفت‌های مادی و ظاهری، از نظر اعتقادی و روحی نیز به تکامل و پیشرفت دست یابیم. مأموریت جامعه اسلامی، بازنگری تمدن اسلامی و داشتن نگاهی جدید و کاربردی به آن است، یعنی ایجاد یک تمدن بالاصلات و محکم، به کارگیری هنر در تحکیم جایگاه تمدن اسلامی، تحول در علوم اسلامی، تأکید بر علم اقتصاد و بومی‌سازی آن با مبانی اسلامی است و با پیوست فرهنگی می‌توان به تمدن نوین اسلامی دست یافت. در شرایطی که دشمن، با برنامه از پیش تعیین شده و دقیق، تمام هستی فرهنگی ما را نشانه گرفته است، پیوستنگاری فرهنگی، از واجبات است و بهترین

راه برای مقابله با پیامدهای فرهنگ غربی و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است. این موضوع، در سند دانشگاه اسلامی، که مشتمل بر یک مقدمه و نه فصل در جلسه ۷۳۵ مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۵ به تصویب رسید و همچنین در نقشه مهندسی فرهنگی (شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۸) و نقشه جامع علمی کشور نیز قید شده است. مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، باید به عنوان یک پیوست فرهنگی، ضمیمه تمامی مصوبات مسئولین باشد که اگر این اتفاق مهم در جامعه اسلامی رخ دهد، کمتر شاهد رفتارهای اجرایی متفاوت و سلیقه‌ای خواهیم بود. به ویژه در تصمیم‌های کلان و راه‌اندازی پروژه‌های ملی مانند: گسترش اینترنت در کلیه مناطق کشور، موبایل با پیشرفت‌ترین امکانات اینترنتی، توسعه پارک‌ها و مصوبات شورا در حوزه زن و خانواده، اگر ضمیمه این پروژه‌ها، پیوست فرهنگی باشد، قطعاً جامعه از آفات و برخوردهای سلیقه‌ای، در امان خواهد بود. بدیهی است که دستیابی به این هدف بزرگ، جز با فرهنگ‌سازی، امکان‌پذیر نیست. همچنین طرح‌ها و فعالیت‌ها، بازده بیشتری یافته و اندیشه‌های دینی، در روابط مردم استقرار پیدا می‌کند که در این صورت، تمدن نوین اسلامی در جامعه بیشتر شکوفا می‌گردد. خلاً بزرگی که در این زمینه وجود دارد، عدم آگاهی مجریان و دست‌اندرکاران در خصوص مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی است که با وجود گذشت نزدیک به چهار دهه از عمر آن و تصویب قوانین ارزشمندی که حاصل ساعت‌ها تلاش کارشناسان بوده و از غنی‌ترین ذخیره‌های حوزوی و دانشگاهی کشور می‌باشند، ولی این مصوبات، همچنان مورد غفلت قرار گرفته است که این امر باعث شده تصمیمات در سطح جامعه اسلامی، ناهمانگ و سلیقه‌ای باشد که مهم‌ترین پیامد آن، عدم وحدت در رفتار مدیران کشور است.

ایجاد یک ساز و کار مدیریتی برای راه اندازی، هدایت و نظارت راهبردی بر فرایند پیوست نگاری در کشور

ایجاد ساز و کارهای ارزیابی
و نظارت در سطوح مختلف

ایجاد ساز و کارهای لازم برای اجرا شدن آنها

تدوین پیوست های فرهنگی برای تصمیمات مهم با معیارهای دینی

شکل گیری مجموعه های پیوست نگار در بین صاحب نظران دارای صلاحیت

شکل گیری یک بستر مناسب تقاضا آفرینی از سوی مدیران اجرایی

۲۴۴

شکل (۶). فرایند پیوست نگاری فرهنگی از سوی مدیران اجرایی

۳. فهرست اجمالی ضرورت و آثار پیوست فرهنگی

سرعت بخشی شکل گیری تمدن نوین اسلامی: فرهنگ، روح دانشگاه و محیط علمی است و عامل انسجام بخش و هویت ساز به شمار می رود، تأثیرات متقابل فرهنگی در ابعاد آموزشی، پژوهشی، دانشجویی، اداری و مالی، به حدی عمیق و گستردگی است که با تجلی اعتقادات و ارزش های فرهنگی، سبک تحصیل، تدریس، پژوهش و تحقیقات، به نام فرهنگ شکل می گیرد. یکی از کارکردهای ارزشمند پیوست فرهنگی، افزایش بازدهی طرح ها و فعالیت های آموزش و پژوهش دانشگاه است، و دیگری، کمک مؤثر به استقرار اندیشه های دینی در روابط دانشگاهیان است که هر دو، مقدمه ای ضروری برای شکل گیری تمدن اسلامی است.

سرعت بخشی تحقق منویات مقام معظم رهبری: برای افرادی که مسائل فرهنگی کشور را پیگیری می‌کنند، این نکته روشن است که مقام معظم رهبری با دغدغه‌های ارزشمندی که برای تسریع در روند تحقق اهداف فرهنگی نظام دارد (فرآیند تحقق اهداف اسلامی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی؛ نقشه کلی انقلاب اسلامی تا تمدن نوین اسلامی (دفتر اول)، ۱۳۹۳) در طول سالیان گذشته، متناسب با موقعیت و مخاطبان خاص بحث خود، سلسله اهربدهای کلیدی مطرح فرموده‌اند که اهم آن‌ها عبارت است از:

الف) ضرورت طراحی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی؛ (بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه

فردوسي، مشهد، (۱۳۸۶/۲/۲۵):

ب) ضرورت تدوین نقشه مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی؛ (بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴/۱۰/۱۳)؛

ج) ضرورت تهییه و اجرای طرح تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش؛ (بیانات در دیدار با وزیر، معاونان و مدیران آموزش و پرورش سراسر کشور ۱۳۸۶/۵/۳)

۵) لزوم بومی‌سازی علوم انسانی در حال تدریس در محیط دانشگاهی (بیانات در دیدار با استادان دانشگاه‌ها، ۱۳۸۸/۸/۶):

۲۴۳

پیوست نگار فرهنگی، راهکار عملی در مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی (آنکید بر مصوبات حوزه زن و خانواده)

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر، با توجه به منابع مطالعاتی، ماهیت، اهداف و سؤالات پژوهش، پژوهشی توصیفی- تحلیلی و استنتاجی است. با بهره‌مندی از روش پژوهش توصیفی، به توصیف مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه سیاست‌گذاری‌ها و پیوست‌نگاری فرهنگی پرداخته شد؛ زیرا هدف پژوهش تحلیلی، عبارت است از: «فهم و بهبود مجموعه مفاهیم یا ساختارهای مفهومی که برحسب آنها، تجربه‌ها، تفاسیر و مقاصد، به وضوح بیان می‌شوند و مسائل، ساختاربندی شده و پژوهش‌ها به اجرا درمی‌آیند». (شورت^۱، ۲۰۰۸، ص ۸)

۵. مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه زن و خانواده

نظام اسلامی بر پایه جهان‌بینی اسلامی، که رابطه متقابل انسان‌ها را مشخص و اساس فرهنگ را پی‌ریزی می‌کند، بر مبنای نظامی ارزشی بنا شده است. در این نظام، مذهب و ایدئولوژی، ساختار اصلی و دستگاه کلی حاکم بر آن است که بر تمامی آثار انسانی تأثیر می‌گذارد. در این نظام ساختاری، معنویت توحیدی یا جهان‌بینی اسلامی، مالک اصلی است و فرهنگ با نگاهی هستی‌شناسانه آغاز می‌شود و رابطه انسان با جهان هستی، خود، دیگران و طبیعت را با مبدأ آن تعیین می‌کند. انسان در این ساختار، در مجموعه‌ای از ارتباطات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رشد می‌کند و خود را به‌گونه‌ای نواورانه، با تحولات زمانی- مکانی انطباق می‌دهد. (اشتریان، ۱۳۹۱، ص ۲۹۷)

براین اساس، اندیشه و فرهنگ دینی، ساختار اصلی جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهد که اثر آن، در رفتارهای فردی و اجتماعی شهروندان هویتاً می‌شود و می‌توان بازتاب باورها و دغدغه‌های افراد را در فضای حاکم بر جامعه مشاهده کرد. حجاب و عفاف، در شمار بحث‌های فرهنگی و مذهبی است که بیش از امور نظامی، سیاسی و اجتماعی، به برنامه‌ریزی تدریجی و ریشه‌ای نیاز دارد. تمام نهادها و سازمان‌ها، اعم از خصوصی و دولتی و شهروندان، در فرهنگ‌سازی، نقش دارند.

شورای عالی انقلاب فرهنگی، برخی از مصوبات خود را در حوزه زن و خانواده اختصاص داده است؛ مانند منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، که در جلسه ۶۵۳ مورخ ۱۳۸۸/۹/۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید. (اسناد بالادستی،

برنامه‌های ملی و وظایف دستگاهی مرتبط با آموزش خانواده، ۱۳۹۵، ص ۳)

در ماده ۷۱ این منشور، بر «حق و مسئولیت آگاهی و کسب مهارت‌های لازم در مدیریت خانه و خانواده، تربیت و پرورش فرزند و مقابله با آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی» و در ماده ۱۳۱ بر «حق برخورداری زنان از آموزش‌های حقوقی» تأکید شده است. با استناد به ماده ۴۷ مصوبه «راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف»، شورای فرهنگ عمومی، به عنوان شورایی که زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیت دارد، راهکارهای اجرایی گسترش عفاف و حجاب را در جلسه ۴۲۷ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۳ به تصویب رساند. در این مصوبه، سیاست‌ها و راهکارها، به صورت کاملاً شفاف مشخص شده است؛ از جمله: در اولویت قراردادن موضوع حجاب و عفاف در برنامه‌های اجرایی کشور برای مقابله با روند فزاینده بدحجابی، ابلاغ روش‌های اجرایی و تعیین ضوابط نوع لباس و پوشش افراد و نظارت بر رعایت حریم حجاب و عفاف در سازمان‌های دولتی و عمومی. همچنین وظایف تخصصی دستگاه‌های قانون‌گذار و اجرایی، در بندهای مختلف بیان گردیده که از هرکدام، به عنوان نمونه، یک بند را خواهیم آورد:

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: «هماهنگی و نظارت بر رسانه‌های ارتباط جمعی، برای توجه به فرهنگ حجاب و عفاف و رعایت آن»؛ وزارت بازرگانی: «حمایت عملی از طراحان و تولیدکنندگان پوشاسک ساده و اسلامی در ایجاد تنوع در الگوهای پوشش اسلامی»؛ سازمان صداوسیما: «اهتمام ویژه در خصوص معرفی و ترویج فرهنگ عفاف به منظور نهادینه سازی و جذاب نمودن آن»؛ نیروی انتظامی: «اعلام حدود و ضوابط قانونی عفاف و ملاک‌های بدحجابی در جامعه به منظور تشخیص مصادیق آن» و سازمان ملی جوانان: «طراحی شیوه‌های کارآمد جهت گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در حوزه‌های مرتبط با جوانان». بدیهی است که علم، مقدمه عمل است و در همین ارتباط، نقشه جامع علمی کشور، در

چارچوب رهنمودهای امام خمینی^{ره}، مقام معظم رهبری و برپایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پس از بحث و بررسی در جلسات متعدد شورای عالی انقلاب فرهنگی، به تصویب رسید که آخرین مصوبه آن، در جلسه ۶۷۹، مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۴ بود و پس از آن، برای اجرا ابلاغ گردید. (نقشه جامع علمی کشور، ص ۷)

حال اگر مسئولین از مفاد قانونی عالی ترین نهاد تصمیم‌گیری فرهنگی کشور اطلاع نداشته باشند، نمی‌توان از آنان، توقع اجرای مصوبات را داشت. همچنین به علت عدم اطلاع مردم و به ویژه قشر تحصیل کرده از این مصوبات، هیچ‌گونه مطالبه‌گری نیز در این زمینه وجود ندارد و لذا همواره شاهد نوعی از هم‌گسیختگی در تصمیمات کلان کشور، به ویژه تصمیمات مرتبط با فرهنگ مردم هستیم. علاوه بر آن، رفتارهای سلیقه‌ای با تغییر مدیریت سیاسی در کشور، بزرگ‌ترین مشکلی است که پس از اسراف بیت‌المال، بیشترین آسیب را به زیربنایی فرهنگی کشور زده است. انسجام در سیاست‌های فرهنگی مدیران، به ویژه مدیرانی که ارتباط مستقیمی با فرهنگ جامعه دارند، مانند: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صداوسیما، سازمان تبلیغات اسلامی و...، ضروری ترین نیاز کشور است و اینک با گذشت نزدیک به چهل سال از عمر پربرکت شورای عالی انقلاب فرهنگی، کشور از مترقی‌ترین مصوباتی بهره‌مند است که هر کدام می‌تواند خواکی برای تدوین پیوست فرهنگی در بخش‌های مختلف جامعه باشد.

هر اقدام و فعالیتی در اجتماع، دارای تأثیرات فرهنگی و اجتماعی سازنده و یا مخربی است که گاه بسیار گسترده و پایدار است. با این حال، به علت غلبه ترجیحات اقتصادی و یا سیاسی، توجهی به این تأثیرات نمی‌شود و نتیجه اینکه در مسیر توسعه جوامع، مسائل و معضلات فرهنگی و اجتماعی، رخ می‌نماید که دلیل آن، بی‌توجهی به آن عوامل است. در ایران نیز با وجود مطالب متعدد و متنوع از فعالیت‌ها و طرح‌های عمرانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و غیره، خلاً راهکاری که بتواند به درستی و به شکل کاربردی، نقش عنصر فرهنگ را در سایر حوزه‌ها و نظامات، اعمال کرده و در هر پروژه و فعالیتی، عناصر انسانی، فرهنگی و اجتماعی را در اولویت سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و امور اجرایی قرار دهد، به

طور جدی احساس می‌شود و چه بسا پس از انقلاب اسلامی نیز این خلاً برطرف نشده است.

(صمدی و احمدی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۴)

با توجه به چنین غفلتی که در سیاستگذاری‌های پیشرفت فرهنگی کشور مشاهده می‌شود، ضرورت توجه به ابعاد فرهنگی و پیوست رفتاری آن در تمام سطوح سیاست‌ها، برنامه‌ها و پژوهه‌ها کاملاً نمایان است و بر همین اساس، سیاست‌گذاران فرهنگی، نیازمند پیوست‌نگاری فرهنگی در تمامی پژوهه‌ها و طرح‌های کشور هستند.

نتیجه‌گیری

برنامه‌ریزی فرهنگی مطلوب، باید دارای ویژگی‌های خاصی باشد از جمله:

- منعطف باشد؛

- انضمای و تجربی باشد؛

- از یک‌سو، بر اساس تعریف محدود از فرهنگ استوار باشد و از سوی دیگر، انتخابی باشد و صرفاً به برخی از متغیرهای راهبردی در سطح فوقانی جامعه توجه کند؛ نه اینکه بدون درنظرگرفتن عوامل انجیخته در عرصه‌های گوناگون و در سطوح مختلف، برای جزئی‌ترین امور، برنامه‌ریزی کند که در این صورت، نتیجه چنین برنامه‌ای از قبل مشخص است. با توجه به آنچه بیان شد، ضرورت برنامه‌ریزی فرهنگی پیوسته توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی، جدی گرفته شد؛ زیرا برای نیل به تمدن نوین اسلامی، فرهنگ‌سازی در خصوص تدوین پیوست فرهنگی برای تمامی مصوبات کلان کشور توسط مدیران ضروری است.

در راستای این هدف، شورای عالی انقلاب فرهنگی، متشکل از نخبگان فرهنگی کشور در دوران عمر بابرکت خود، دارای مصوبات ارزشمندی است که در صورت اجرایی شدن، زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی خواهد بود. این مصوبات، در بخش‌های هنر، ورزش، زنان، خانواده و... به تفصیل و با صرف ساعتها وقت و بودجه، به تصویب رسیده است.

با توجه به گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و با وجود تمام

پیشنهادهای راهبردی

بدیهی است که پیوستنگاری فرهنگی، خود نیازمند ایجاد فرهنگ در بین مردم و مسئولین است و ایجاد فرهنگ، پدیده‌ای نیست که به راحتی و در زمان کم، امکان پذیر باشد؛ بلکه نیازمند برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است و در صورت اجرای آن برنامه‌ها، آثار آن، ریشه‌ای و تأثیرگذار خواهد بود. در ادامه، به چند پیشنهاد در این زمینه بسنده می‌کنیم:

- با توجه به اینکه شورای عالی انقلاب فرهنگی، عالی‌ترین نهاد فرهنگی کشور بوده و مصوبات آن لازم‌الاجرا است، شرط اول آن، آگاهی مدیران کشور از این مصوبات است. بنابراین این مصوبات بدون استثناء باید در تمامی رشته‌های دانشگاهی، اعم از ریاضی، تجربی، هنر،

پیشرفت‌های حاصله در این خصوص، باید اذعان کرد که در زمینه فرهنگ، شاهد خلأهای جدی هستیم. در یک آسیب‌شناسی کلان، به نظر می‌رسد علت‌العلل تمام این خلأهای، عدم انسجام در تصمیم‌گیری‌های کلان مدیران کشور است. حداقل توقع این است که دستگاه‌هایی که زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری هستند مانند صداوسیما، سازمان تبلیغات اسلامی و... از یک انسجام فرهنگی برخوردار باشند. دستگاه‌های فرهنگی زیر نظر دولت نیز باید پیوست فرهنگی داشته باشند که بعضًا با تغییر مدیریت‌ها، این سیاست‌ها، کاملاً عوض نشود. بدیهی است که این مسئله، ضربه زیادی را به جامعه اسلامی وارد می‌کند که در بعضی از مواقع، قابل جبران نخواهد بود. از این‌رو، برای ایجاد انسجام فرهنگی و حل معضلات کشور، تدوین پیوست فرهنگی، از واجبات است.

روشن است که یکی از بهترین مکانیسم‌های ایجاد انگیزه در بین مدیران، مطالبه‌گری از جانب مردم است و چون تاکنون در این زمینه، کمتر مطالبه‌گری از جانب مردم ابراز شده است، مدیران نیز اهتمامی به اجرای آن نداشتند. بنابراین، افزایش سطح آگاهی مردم، مهم‌ترین هدفی است که می‌بایست رسانه‌های جمعی مانند صداوسیما و مطبوعات و... آن را دنبال کنند تا در نتیجه آن، مطالبه‌گری از جانب مردم، ایجاد شود.

انسانی و... به عنوان چند واحد درسی عمومی اجباری معرفی گردد. زیرا مدیران کشور، در واقع تحصیل کرده‌های یکی از این رشته‌ها می‌باشند و ضروری است حداقل آشنایی با این مصوبات داشته باشند؛ علاوه بر اینکه در شاخه‌های علوم انسانی مرتبط نیز می‌بایست هریک از این مصوبات، به عنوان یک رشته مستقل دانشگاهی تعریف شود، مثلًاً رشته مستقلی در زمینه سیاست‌های کلی خانواده، جمعیت یا سلامت داشته باشیم و از همه مهم‌تر، برای برنامه‌های پنج ساله توسعه، از برنامه اول گرفته تا ششم، باید متخصصینی تربیت شوند که این افراد بتوانند با توجه به آگاهی از برنامه‌های قبل، برنامه‌های توسعه هفتم، هشتم و... را در آینده، در راستای اهداف انقلاب اسلامی بنویسند.

با توجه به نقش آموزش و پرورش در ایجاد ساختار بنیادین کشور، ضروری است مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی به گونه‌ای مرتبط با دروس و رشته‌ها، در متن کتب درسی قرار گیرد. بدیهی است اهمیت تدریس این مصوبات، به مرتب بیشتر از برخی اسناد بین‌المللی است که هم‌اکنون در برخی از متن‌های درسی موجود است.

- مجلس شورای اسلامی به عنوان قوه قانون‌گذاری باید ترتیباتی را لحاظ کند که تمام تصمیمات کلان مسئولان در همه بخش‌ها، اعم از شهرداری‌ها، شوراهای شهر، دولت و حتی قوه قضائیه و... در صورت عدم پیوست فرهنگی، لازم الاجرا نباشند.

- تمامی کارکنان دستگاه‌های دولتی و غیردولتی، باید دوره‌های آموزشی اجباری مرتبط با این مصوبات را بگذرانند.

- سازمان تبلیغات اسلامی، مدیریت امور مساجد و کلیه مؤسساتی که با مخاطبین بسیاری در ارتباط می‌باشند، باید جزوی در خصوص مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، که مرتبط با وظایف مخاطبین، خصوصاً زنان و خانواده می‌باشند، تدوین کرده و در اختیار همه مبلغان، اعم از عاظ مساجد و در اقصی نقاط کشور، قرار دهد. همچنین در همین راستا، شورای عالی سیاست‌گذاری نماز جمعه، کلیه ائمه جمعه را موظف کند که وقتی را در نمازهای جمعه برای توضیح مصوبات مرتبط با مردم و مخاطبین، اختصاص دهند.

- لازم است در شورای عالی انقلاب فرهنگی، نهادی ایجاد گردد که نظام موضوعات مرتبط با

تمامی مصوبات خودش را تدوین نموده و آن را به معاونت پژوهشی کلیه دانشگاه‌ها ابلاغ کند تا به عنوان پروژه‌های دانشگاهی، مورد استفاده قرار گیرد.

- به منظور ایجاد ضمانت اجرایی لازم برای عملیاتی کردن این مصوبات در کشور، پیشنهاد می‌شود در مجلس شورای اسلامی، کمیسیونی ویژه در این زمینه تشکیل گردد تا رابط بین مجلس و شورای عالی بوده و طرح‌های لازم برای اجرایی شدن این مصوبات را با حضور کارشناسان مربوطه تهیه کند. با توجه به اینکه طبق قانون اساسی، نمایندگان مجلس، علاوه بر وظیفه تدوین قانون، وظیفه نظارت بر حسن اجرای آن را در کلیه نهادهای کشور بر عهده دارند، وجود این کمیسیون بسیار ضروری است.

- از آنجاکه یکی از خلأهای موجود در مصوبات شورای عالی، عدم پیش‌بینی ضمانت‌های اجرایی جدی یعنی مجازات حقوقی و کیفری برای متخلفین و مجریان امر است، به نظر می‌رسد که در گام اول باید طرحی از طرف نمایندگان مجلس در این خصوص ارائه گردد. - لازم است اجماع و نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر میان مسئولان و متولیان امور، شکل گرفته باشد و کارشناسان و بخش اجرایی نیز مصمم به اجرای آن باشند.

برنامه فرهنگی ملی بر اساس یک فرآیند سیاسی است؛ فرآیندی که سیاستمداران آن را آغاز می‌کنند و می‌کوشند تا بر آن حاکم گردند. برای تحقق اهداف فرهنگی، باید میان رهبران سیاسی و برنامه‌ریزان، پیوسته تبادل نظر صورت گیرد. برنامه‌ریزی نمی‌تواند از فرآیند سیاسی جدا افتاد و بی‌توجه به آن ادامه یابد. در صورتی که کارکنان، چه کارشناسانی که برنامه را تهیه می‌کنند و چه کارمندانی که آن را اجرا می‌نمایند، برای اجرای آن مشتاق نباشند و یا ورزیدگی کافی نداشته باشند، برنامه با شکست مواجه می‌شود.

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که برای تحول و ساخت تمدن نوین اسلامی و ایجاد نگاه واقع‌بینانه و حداقلی در تمامی اقشار جامعه به ویژه قشر نخبه تحصیل‌کرده و مدیران جامعه، چاره‌ای جز آموزش قوانین و مصوبات اساسی و وزیربنایی، به ویژه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را در کشورمان نداریم.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. ابلاغ سیاست‌های اصلاح نظام اداری مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۹/۱/۳۱.
۲. استاد بladستی، برنامه‌های ملی و وظایف دستگاهی مرتبط با آموزش خانواده (۱۳۹۵)، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۳. اشتربان، کیومرث (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران: شهرداری تهران.
۴. بایخانی، لیلا (۱۳۹۰)، فعالیت‌های فرهنگی، تهران: انتشارات فکر بکر.
۵. بنیابیان، حسن (۱۳۹۲)، پیوست فرهنگی؛ چیستی، ضرورت، آثار، تهران: سوره مهر.
۶. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای . Khamenei.Ir
۷. پیروزمند، علیرضا (۱۳۹۶)، «مبانی برنامه‌ریزی فرهنگی»، فصلنامه شورای فرهنگ عمومی، ر.ک به: «پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه»، <https://hawzah.net/fa/article/view/95557>.
۸. درآمدی بر برنامه راهبردی توسعه فرهنگی (۱۳۸۶)، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۹. شورای عالی انقلاب فرهنگی (بی‌تا)، سند داشگاه اسلامی، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۰. ————— (۱۳۸۸)، نظام‌نامه تدوین نقشه مهندسی فرهنگی کشور، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۱. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۱)، مدیریت استراتژیک فرهنگی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۲. صمدی، مجتبی و احمدی، علی (۱۳۹۶)، «اطلس فرهنگی ایران؛ مؤلفه‌محوری در پیوست‌نگاری و مهندسی فرهنگی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی دین و ارتباطات، سال ۲۴، ش. ۲، پیاپی ۵۲، ص ۱۳۴.
۱۳. علی‌احمدی، علیرضا (۱۳۸۳)، شناخت فرهنگ سازمانی و مدیریت برآن، تهران: تولید دانش.
۱۴. علی‌بیزاده ابیانه، مریم، (۱۳۸۵) جایگاه آداب در فرهنگ و جامعه، تهران، نشر دبیرخانه فرهنگ.
۱۵. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۰)، انسان‌شناسی فرهنگی؛ جستارهایی درباره قلمرو نظری و عملی انسان‌شناسی فرهنگی، تهران: چاپ صدر.
۱۶. فرایند تحقق اهداف اسلامی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی؛ نقشه‌کلی انقلاب اسلامی تا تمدن نوین اسلامی (دفتر اول) (۱۳۹۳)، تهران: بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی.
۱۷. گیدزن، آتنونی (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران، نشرنی.
۱۸. معین، محمد (۱۳۷۶)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۹. نقشه جامع علمی کشور، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲۰. وجودی، فرید (۱۳۷۳)، دایره المعارف، ذیل ماده ثقف، به نقل از: جعفری، محمدعلی، فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشو، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. لطیف‌پور، یدالله (۱۳۸۰)، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، تهران: مرکز استناد انقلاب اسلامی.

ب) لاتین

22. Short, Edmond,C.(2008). *Form of Curriculum Inquiry*.(M. Mehrmohammadi & etal, Trans). Tehran: Samt(Persian).
23. <https://scer.ir>

